

شروط داوری در سیر تحولات حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز

رضا آریان کیا^۱

چکیده

تاریخ داوری بین‌المللی، ممزوج و تنیده شده با حقوق قراردادهای نفت و گاز و تحولات آن است. مطالعه این تحولات و آرای داوری‌های نفتی به روشنی نمایانگر انعکاس معادلات سیاسی و اقتصادی داخلی و بین‌المللی و رابطه قدرت با ساختارهای حقوقی و قراردادی پذیرفته شده هر کشور در عرصه نفت و گاز آن است بدین نحو که با متحول شدن این معادلات، ساختارهای قراردادی فی‌مابین کشورهای نفت‌خیز در حال توسعه و شرکت‌های بین‌المللی نیز دچار تحول گردیده که حاصل آن زوال رژیم امتیاز و ظهور ساختارهای قراردادی گوناگون بوده است.

شروط داوری نیز همانند سایر شروط آن پیکره واحد ساختاری، از این تحولات بی‌نصیب نمانده و راه تکامل را در پیش گرفته است. نواقص و مشکلات عملی شروط داوری قراردادهای قبل از ربع قرن اخیر سده سابق از یک سو و رشد فزاینده نهادهای داوری و مقررات متحدالشکل از سوی دیگر، موجب تسریع دگرگونی شروط داوری شده به‌گونه‌ای که گذار از رویه‌های متشتت داوری‌های موردی به مقررات متحدالشکل و داوری‌های نهادی، مهم‌ترین نتیجه آن بوده است. شروط داوری قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز یکی از کلیدی‌ترین شروط مندرج در این نوع از قراردادها است که بکارگیری فرمولی مناسب در آن می‌تواند قدرت مانور قابل توجهی را در تأمین منافع شرکت یا کشور درگیر اختلاف، ایجاد نماید. در این راستا جهت‌گیریهای اخیر قانونگذاران برخی کشورهای تولیدکننده و صادرکننده نفت و گاز و هم‌رویه عملی فعالان خصوصی این عرصه بدین سمت بوده که با ترجیح تعیین چارچوب‌های شرط داوری در قالب ارجاع اختلافات خود به مقررات و احیاناً مراکز داوری چون UNCITRAL, ICSID, ICC.

۱. دانشجوی دوره دکتری دانشگاه پاریس (سوربن) reza,ariyankiya@gmail.com

سعی در مدیریت شایسته اختلافات احتمالی و امتناع از ورود در نابسامانی‌های خاص داوری‌های گذشته داشته‌اند.

این مقاله سعی دارد ضمن پرداختن اجمالی به تحولات حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز، تلاش نماید در خلال بررسی قوانین برخی کشورها، رویه‌های قراردادی و پرونده‌های داوری، چهره‌ای از رویه‌های سابق و کنونی شروط داوری را در قراردادهای نفتی ترسیم نماید.

واژگان کلیدی: حقوق نفت و گاز، حقوق قراردادهای نفت و گاز، تحولات قراردادهای نفتی، داوری بین‌المللی، شروط داوری، شروط کلاسیک داوری، داوری موردی، شروط مدرن داوری، داوری نهادی، نهادهای داوری بین‌الملل

مقدمه

تاریخ داوری بین‌المللی، از نیمه دوم قرن بیست با حقوق قراردادهای نفت و گاز و تحولات آن ممزوج و درهم تنیده شده؛ به نوعی که شاخص‌گذاری آرای اصداری از مراجع داوری بین‌المللی، با آرای مهم صادر شده در خصوص این قراردادها، صورت می‌گیرد. از جمله این آرا می‌توان به رأی صادر در پرونده‌های عربستان سعودی علیه آرانکو،^۲ بی‌پی،^۳ لیامکو^۴ و تاپکو^۵ علیه دولت لیبی، آجیب علیه جمهوری کنگو،^۶ سافایر،^۷ شرکت فرانسوی الف علیه شرکت ملی نفت ایران^۸ و برخی دعاوی ایران و آمریکا بخصوص در دعاوی آمکو^۹ و فیلیپس اشاره کرد.^{۱۰} در این آرا، از یک سو، حقوق دولت‌ها در کنترل و ساماندهی بهره‌برداری از منابع طبیعی، سلب مالکیت و در نهایت پایان دادن به قرارداد به هنگام اقتضای منافع عمومی به رسمیت شناخته شده و از دیگر سو، لزوم جبران خسارات در صورت اعمال حقوق حاکمیتی از جانب دولت‌ها برای شرکت‌های طرف قرارداد محترم شمرده شده است.

رویه‌های داوری این دوران، انعکاس وسیعی بود از تحولات ژئوپولیتیک و تغییر در معادلات سیاسی-اقتصادی روابط بین‌الملل که لزوم تغییر و تجدیدنظر در ساختارها و ماهیت قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز را از دید بازیگران عمده این عرصه، یعنی شرکت‌های نفتی و دولت‌های

2. 27 International Law Reports, 1963, p.117.

3. Journal du Droit International, 1977, p.350.

4. Rev. Arb. VI, 1981, p.89.

5. Yearbook Int. Arb. IV, 1979, p. 177.

6. Rev. Crit. D.I.P, 1982, p.105; Yearbook Int. Arb. VIII, 1983, p. 133.

7. 35 International Law Reports, 1967, p.136.

8. Yearbook Int. Arb. XL, 1986, p.97.

9. 1 Iran-US CTR, p.493.

10. 1 Iran-US CTR, p.487.

نفت خیز آشکار می‌کرد. اما ضرورت این تغییر، علاوه بر ساختار کلی قراردادهای دامنگیر اجزای آن‌ها همانند شروط داوری نیز می‌شد. نواقص و مشکلات عملی شروط داوری در قراردادهای این دوران و تجارب داوری کشورهای مختلف در این خصوص از یک سو و رشد فزاینده نهادهای داوری از سوی دیگر، موجبات تسریع دگرگونی شروط داوری را همزمان با تحولات رژیم‌های قراردادی صنعت نفت فراهم آورد؛ به گونه‌ای که گذار از رویه‌های مشتت داوری‌های موردی^{۱۱} به مقررات متحدالشکل و داوری‌های نهادی،^{۱۲} مهم‌ترین نتیجه آن تلقی می‌گردد. در این مقاله ضمن پرداختن اجمالی به تحولات حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز (مبحث اول)، تلاش خواهیم کرد در خلال بررسی قوانین برخی کشورها، رویه‌های قراردادی، و پرونده‌های داوری، چهره‌ای از رویه‌های سابق و کنونی شروط داوری را در قراردادهای نفتی ترسیم کنیم (مبحث دوم).

مبحث اول) تحولات حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز

صنعت نفت و گاز کشورهای نفت‌خیز، از تاریخ اولین اکتشافات نفتی تاکنون، تکنیک‌های قراردادی متنوعی را به خود دیده است. نوع این تکنیک‌ها ارتباط بسیار تنگاتنگی با تحولات سیاسی داخلی و بین‌المللی و توانمندی‌های تکنولوژیک و اقتصادی کشورهای دارنده منابع هیدروکربور دارد. صرف‌نظر از معدود کشورهای دارنده منابع هیدروکربور، همانند نروژ، کانادا و ایالات متحده آمریکا عمده این کشورها توان سیاسی، اقتصادی و تکنولوژیک پایینی دارند و همین ضعف‌ها، وابستگی صنعت نفت و گاز آنان را به کشورهای پیشرفته دنیا در پی داشته است. صنایع نفت و گاز، به دلیل ماهیت خاص خود،^{۱۳} از جمله صنایعی هستند که نه تنها بازیگری استثنایی در معادلات سیاسی و اقتصادی بین‌الملل محسوب می‌شوند، بلکه نقش بسیار حیاتی در اقتصاد و سیاست داخلی کشورهای دارنده این منابع ایفا می‌کنند. ساختارهای قراردادی پذیرفته شده هر کشور حاضر در عرصه نفت و گاز، انعکاسی است روشن از این معادلات؛ بدین نحو که با تضعیف عناصر فوق‌الاشاره، قانونگذاران یا مذاکره‌کنندگان کشور مورد بحث، مجبور به دادن امتیازات بیش‌تر و پذیرش شرایط سنگین‌تر به نفع شرکت‌های بین‌المللی هستند و برعکس. تجربه بین‌المللی حاصل از دعاوی نفتی دهه ۱۹۷۰ به بعد، تجارب بزرگی را در اختیار بازیگران بزرگ صنعت بین‌المللی نفت و گاز قرارداد تا با طرح موضوعاتی چون ماهیت و تفسیر

11. *ad hoc*.

12. *institutionnel*

13. پرهزینه بودن، فناوری پیشرفته مورد نیاز و حساسیت بالای سیاسی و اقتصادی از جمله ویژگی‌های بارز و ذاتی صنایع نفت و گاز است.

قراردادهای نفتی، حقوق و تکالیف سرمایه‌گذار خارجی، حق حاکمیت و سایر حقوق کشور صاحب منابع طبیعی، تفسیر شرط ثبات و قلمرو و آثار آن، شیوه‌های جبران خسارات و میزان غرامت قابل پرداخت در صورت نقض قرارداد یا سلب مالکیت از سرمایه‌گذار خارجی، بتوانند در کنار سایر عوامل، در انتخاب ساختار قراردادی مناسب دقت کرده، احیاناً به طراحی قالب‌های جدید بیندیشند. این تجربه‌ها، حاوی درسهای آموزنده‌ای بود هم برای شرکت‌های نفتی در گرفتن تضمین‌های مناسب و هم برای کشورهای میزبان در درک آثار حقوقی اعمال حقوق حاکمیتی. تجربه‌های مذکور در کنار دیگر تحولات عرصه‌های مختلف روابط بین‌الملل، موجب دگرگونی‌هایی در حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز گردیده که بررسی سیر این تحولات از رژیم‌های امتیازی به قراردادی،^{۱۴} موضوع مبحث ما را تشکیل خواهد داد.^{۱۵}

گفتار اول) رژیم امتیازی

اعطا امتیاز انحصاری اکتشاف و بهره‌برداری از منابع هیدروکربور، از قدیم‌ترین شیوه‌های تنظیم روابط حقوقی و قراردادی کشورهای دارنده این منابع با شرکت‌های نفتی خارجی است. رژیم حقوقی امتیاز، در گذر زمان، دو ساختار حقوقی نسبتاً متفاوت را تجربه کرده است: امتیازات کلاسیک^{۱۶} و امتیازات مدرن.^{۱۷}

بند اول) امتیازات کلاسیک

به‌طور کلی، ماهیت حقوقی امتیاز، مبتنی است بر اجازه کشور دارنده منابع هیدروکربور به حضور اشخاص حقیقی یا حقوقی، به‌منظور تفحص و استخراج این منابع (و به تبع مالکیت کامل محصولات استخراجی) در زمان و منطقه جغرافیایی مشخص، در قبال پرداخت مبالغی به‌عنوان حق‌الارض^{۱۸} و انجام برخی تعهدات همانند آموزش کارکنان و تهیه مصارف داخلی و... از سوی شخص دارنده امتیاز. در این رژیم حقوقی، شخص حقیقی یا حقوقی صاحب امتیاز، تأمین کلیه

۱۴. برای آگاهی بیش‌تر رجوع کنید به: موحد، محمد علی، قانون حاکم (درس‌هایی از داوری‌های نفتی)، تهران، نشر کارنامه، ۱۳۸۶، ص ۲۵۳۲.

۱۵. در این‌که آیا ساختار حقوقی امتیاز، تابع تعریف حقوقی «قرارداد» است یا «ایقاع»، بین حقوقدانان نظرهای متفاوتی ابراز گردیده است که با بررسی آرای داوری صادره در پرونده‌های نفتی نیمه دوم قرن بیستم، علی‌رغم طرح نظریه ایقاع از سوی کشورهای طرف دعوی این پرونده‌ها، نظریه قراردادی بودن رژیم حقوقی امتیاز تأیید می‌گردد که در تقسیم‌بندی گفتارهای این مبحث به رژیم‌های امتیاز و قراردادی، این ملاک مدنظر نبوده است. برای مطالعه بیش‌تر در این خصوص رجوع کنید به: همان، ص ۲۸۲۹.

16. Classique Concession

17. Moderne Concession

18. Royalty

منابع مالی و لوازم مهندسی را به عهده می‌گیرد و کشور میزبان بدون مداخله مستقیم در عملیات، صرفاً در برخی موارد همانند تأمین مواد اولیه مورد نیاز، آب، برق و اراضی با وی همکاری می‌کند.

طولانی بودن مدت و وسعت ناحیه موضوع امتیاز^{۱۹} و اختیارات بسیار گسترده اعطایی، قدرت نفوذ قابل توجهی در امور داخلی کشور اعطاکننده امتیاز برای دارنده ایجاد می‌کرد که همین امر، عامل اصلی بسیاری از ناآرامی‌های سیاسی در قرن گذشته این کشورها محسوب می‌شود که کشورمان ایران، به‌ویژه در امتیاز داری، ضمن تحمل هزینه‌های سنگین سیاسی و اقتصادی، تجربه عبرت‌انگیزی را در این خصوص به صنعت بین‌المللی نفت و گاز تقدیم کرده است.

بند دوم) امتیازات مدرن

با نمایان شدن آفات جدی امتیازات کلاسیک برای کشورهای میزبان و نگرانی‌های به‌حق آنان در این خصوص، مدل پیشرفته‌ای از این رژیم حقوقی در رویه‌های قراردادی برخی کشورهای نفت‌خیز جهان ابداع شد که به‌عنوان حلقه واسط گذار از امتیازات کلاسیک به سوی رژیم‌های مشارکتی و یکی از متداول‌ترین قراردادهای حال حاضر صنعت بین‌المللی نفت و گاز، نوع کلاسیک قراردادهای نفتی را به انزوا کشاند.^{۲۰}

شکل‌گیری امتیازات مدرن، برای اولین بار در بین سال‌های ۱۹۴۳ تا ۱۹۴۸ از کشور ونزوئلا آغاز و بعدها از سوی سایر کشورها از جمله عربستان (در سال ۱۹۵۰) دنبال گردید.

در رژیم امتیازی مدرن، کشور میزبان در انجام عملیات نفتی - و با حضور اکثریت کارکنان محلی - مشارکت مستقیم دارد و بدین وسیله، علاوه بر بالا بردن دانش فنی و تجارب خود، برخلاف نوع کلاسیک آن، از حق‌الارض متغیری براساس میزان تولید، بهره‌مند می‌شود. این رژیم امتیاز که به رژیم حقوقی ۵۰-۵۰ نیز موسوم گردید، به نسبت نوع کلاسیک آن، زمان^{۲۱} و اراضی محدودتری را به دارنده امتیاز تخصیص داده، علاوه بر الزام وی به استرداد تدریجی این اراضی، امکان کنترل بیش‌تر عملیات را برای دولت میزبان فراهم می‌ساخت.^{۲۲} البته بیش‌تر کارشناسان معتقدند در هر دو نوع قرارداد دارنده امتیاز، به‌طور معمول با گزارش هزینه‌ها بیش از

۱۹. مدت ۵۰ تا ۱۰۰ ساله، با اختیار کنترل کامل عملیات توسعه و تولید نفت در وسعت تا یک میلیون کیلومتر مربع در منطقه، آن‌هم بدون وجود شرط بازپس‌گیری ناحیه مورد امتیاز.

۲۰. <http://www.total.com/fr/>

۲۱. معمولاً حق اکتشاف برای دوره‌هایی کمتر از ۱۰ سال واگذار شده و سقف زمان تولید از نواحی کشف شده نیز ۳۰ تا ۴۰ سال تعیین می‌شود.

۲۲. منصوری نراقی محمود، نفت (مبانی حقوقی و شرایط عمومی قراردادهای نفتی خاورمیانه)، صبح امروز، بی تا، ص ۱۱.

درآمدها و حساب‌سازی، از پرداخت سهم واقعی کشور میزبان، براساس قرارداد، خودداری می‌کند.^{۲۳}

گفتار دوم) رژیم قراردادی

همان‌گونه که گفته شد، رژیم امتیازی کلاسیک، شرایط ناگواری را بر کشورهای اعطاکننده آن تحمیل می‌کرد. به غارت رفتن منابع و منافع کشور میزبان، عدم امکان کنترل عملیات صاحب امتیاز، نفوذ بلندمدت سیاسی و اقتصادی و به دنبال آن مداخله در امور داخلی کشور اعطاکننده از جمله تجارب تلخ ناشی از این رژیم بود که تحول اساسی در این ساختار نابرابر را لازم و ضروری می‌کرد.

موج ملی‌گرایی در صنعت نفت کشورهای نفت‌خیز و مبارزات سیاسی ملت‌ها برای کنترل و بهره‌مندی شایسته از منابع طبیعی خدادادی، نه‌تنها پذیرش این حق ملت‌ها و دولت‌ها را در مجامع بین‌المللی موجب گردید،^{۲۴} بلکه ظهور تکنیک‌های قراردادی جدیدی را باعث شد که علاوه بر رژیم امتیازی مدرن، به ترتیب سه قرارداد مهم مشارکت،^{۲۵} تقسیم تولید^{۲۶} و خدمات یا پیمانکاری^{۲۷} سهم عمده‌ای از این تحولات را در صنعت بین‌المللی نفت و گاز، رقم زده‌اند.

بند اول) قراردادهای جوینت ونچر

قراردادهای جوینت ونچر^{۲۸} از جمله قراردادهایی است که اساساً در صنعت نفت متولد شده و سپس در سایر زمینه‌های تجاری نیز توسعه پیدا کرده است.^{۲۹} این قرارداد از بدو پیدایش تاکنون

23. Devaux-Charbonnei, J., «Les différends types de contrats conclus par les Etats producteurs pour la recherche et l'exploitation des gisements d'hydrocarbures», Conférence polycopiée de l'association des Hautes Etudes Internationales, Paris, 1974.

24. مجمع عمومی سازمان ملل از جمله قطعنامه‌های شماره 1514 و 1803

25. JOINT VENTURE, برای آشنایی بیشتر با این مفهوم رجوع کنید به: خزاعی، حسین، «بررسی اجمالی مفهوم حقوقی J.V.»، مجله حقوقی دفتر خدمات بین‌المللی، ۱۳۶۱.

26. Production sharing Agreement

27. Service contracts

28. در ادبیات حقوقی کشور از قراردادهای JV و PSA به ترتیب تحت عناوین «مشارکت در سرمایه‌گذاری» و «مشارکت در تولید» یاد شده است (به‌عنوان مثال رجوع شود به پاورقی ص ۱۶۰ کتاب ارزشمند دکتر محسن محبی، مباحثی از حقوق نفت و گاز در پرتو رویه دآوری بین‌الملل، شهر دانش، ۱۳۸۶) که ضمن اعتراف به صعوبت یافتن ترجمه‌ای جامع و مانع از این عناوین، باید گفت که این ترجمه‌ها گویای ماهیت کامل و واقعی این قراردادها نیست. لذا در این موارد، شاید استفاده از عناوین اصلی این قراردادها مناسب‌تر باشد، کما این‌که در سایر کشورهای غیرانگلیسی زبان هم علی‌رغم یافتن پاره‌ای عبارات معادل توسط نویسندگان حقوقی آن کشورها، همچنان عناوین اصلی به کار گرفته می‌شود.

29. Baptista, L.O. et Durand-Barthez, P. « les associations d'entreprises (joint ventures) dans le commerce international », Paris, FEDUCI-L.G.D.J., 1986, p. 6.

همچنان از مطلوب‌ترین ساختارهای قراردادی معمول در بین شرکت‌های خصوصی نفت و گاز، به‌خصوص در ایالت متحده امریکا بوده و گذر زمان نیز از اهمیت و اعتبار آن نکاسته است. اولین حضور این قرارداد در روابط حقوقی بین کشورهای دارنده منابع هیدروکربور و شرکت‌های بین‌المللی به سال ۱۳۳۶-۱۹۵۷ و تصویب اولین قانون نفت ایران و انعقاد اولین نوع آن با شرکت «آجیپ»^{۳۰} (یکی از زیر مجموعه‌های شرکت ENI ایتالیا) باز می‌گردد که طی آن، قانونگذار ایران به شرکت ملی نفت اجازه می‌دهد قراردادهای جوینت ونچر را در قالب سازمان مشترک^{۳۱} (ضمن تشکیل شرکت مشترک واجد شخصیت حقوقی) یا دستگاه مختلط^{۳۲} (ضمن تشکیل شرکت مشترک فاقد شخصیت حقوقی) با شرکت‌های بین‌المللی واجد صلاحیت منعقد کند. شرکت ملی نفت از این تاریخ تا تاریخ تصویب قانون دوم نفت مصوب ۱۳۵۳-۱۹۷۶) که حذف همیشگی قالب مشارکت در صنایع بالادستی نفت ایران و تجویز قراردادهای خدمت را در برداشت ۱۲ قرارداد جوینت ونچر با شرکت‌های مختلف بین‌المللی منعقد کرد که تنها اولین قرارداد منعقد (موسوم به «سیرپ»)^{۳۳} در قالب سازمان مشترک بود و سایرین در قالب دستگاه مختلط بودند.^{۳۴} به پیروی از این رویه قراردادی ایران، بسیاری از کشورها همچون مصر و بعدها شوروی سابق،^{۳۵} این تکنیک قراردادی را برای مدیریت حقوقی منابع نفت و گاز خود به‌کار بردند. هرچند اوج به‌کارگیری این قرارداد در دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی بوده، اما تکنیک مذکور هنوز هم در روابط حقوقی دولت‌های نفت‌خیز با شرکت‌های نفتی بین‌المللی حضوری زنده دارد.

قراردادهای جوینت ونچر به دو نوع قراردادی و شرکتهای تقسیم می‌شوند که نوع قراردادی آن عمدتاً در بین شرکت‌های خصوصی نفت و نوع شرکتهای در بین دولت‌ها یا شرکت‌های دولتی با شرکت‌های بین‌المللی منعقد می‌شود. در جوینت ونچر قراردادی، شرکا از بین خود شریکی را که معمولاً دارنده سهام عمده و توان فنی و تجارب بالا است به‌عنوان عامل^{۳۶} انتخاب می‌کنند و وی به‌عنوان رهبر و کلیدی‌ترین رکن این نوع جوینت ونچر مصوبات کمیته عامل^{۳۷} را به اجرا درمی‌آورد. اما در جوینت ونچر شرکتهای، شرکا اجرای عملیات نفتی را به شرکت مشترک (که معمولاً قالب شرکت‌های سهامی خاص یا با مسئولیت محدود را دارد) می‌سپارند. روابط آنان

30. Agip

31. mixte organisation

32. Joint structure

33. SIRIP

34. معدولیت، احسان، بررسی قالب حقوقی مشارکت‌های تجاری در حقوق بین‌الملل با تأکید بر مشارکت‌های نفتی ایران، پایان‌نامه کاشناسی ارشد دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۲، ص ۲۳۶.

35. L'arrêté fédéral du 13 janvier 1987

36. Operator

37. Operating committee

عمدتاً با یک قرارداد مینا و تعدادی قرارداد اقماری تبیین و تعریف شده و فارغ از نوع مورد توافق، اصولاً شرکا به نسبت مشارکت خود، در سود و زیان عملیات سهیم هستند و محصول استخراجی سرچاه به مالکیت آنان درآمده، بین آنها قابل تقسیم است. از آنجا که در جوینت ونچر ریسک و هزینه عملیات اکتشافی به عهده شرکت‌های خارجی است، این قرارداد در حوزه‌هایی که هنوز این اقدامات در آن انجام نشده، تکنیکی مناسب در تأمین منافع کشور میزبان خواهد بود.

بند دوم) قراردادهای مشارکت در تولید^{۳۸}

مصادف سال‌هایی که ایران طرح قراردادهای جوینت ونچر را در رویه عملی نفتی خود به کار گرفته بود، در سال ۱۹۶۶ کشور اندونزی طرح دیگری را برای اولین بار ترسیم و در صنعت نفت خود تجربه کرد که به دلیل مزایای بالای آن برای کشورهای نفت‌خیز در مقابل شرکت‌های بین‌المللی، به سرعت مورد استقبال وسیع در سرتاسر جهان قرار گرفت. در این روش، دولت به‌عنوان تنها دارنده حقوق نفتی و به نمایندگی از یک ارگان ملی و عمومی خود (خواه تحت عناوین شرکت‌های ملی نفت یا وزارتخانه‌های انرژی ...) با یک یا چندین شرکت بین‌المللی به‌صورت مشترک و با ریسک و هزینه کامل آنان، اقدام به انجام عملیات اکتشاف نفت و گاز می‌کند و در صورت اکتشاف تجاری این منابع، پس از کسر هزینه‌ها و دستمزد از محصولات استخراجی،^{۳۹} بقیه بین دولت یا ارگان دولتی مربوط و شرکت یا شرکت‌های خصوصی تقسیم می‌شود.^{۴۰}

مزایایی چون تحمیل ریسک هزینه‌های اولیه اکتشاف به عهده شرکت نفتی بین‌المللی، مالکیت دولت میزبان بر چاه‌های نفتی و نفت و گاز تولیدی، مشارکت مستقیم دولت در عملیات و امکان کنترل مناسب شرکت‌های خارجی و حفاظت از ذخایر هیدروکربور و منابع عمومی کشور موجب گردیده که قراردادهای PSA مورد استقبال وسیع کشورهای تولیدکننده نفت قرار گرفته، به یکی از مهم‌ترین ساختارهای قراردادی حال حاضر صنعت نفت جهانی مبدل شوند. جای این تکنیک قراردادی در صنعت نفت ایران خالی است.

38. Production sharing agreement

39. Cost oil

40. Profit oil

بند سوم) قراردادهای خدمت یا پیمانکاری

قراردادهای خدمت یا پیمانکاری نیز از نوآوری‌های صنعت نفت ایران بود که با تصویب قانون ۱۳۵۳ (۱۹۷۴) و انعقاد اولین قرارداد پیمانکاری با شرکت فرانسوی «ارپ»^{۴۱} وارد ساختار قراردادی صنعت نفت بین‌الملل گردید. در این نوع قرارداد شرکت خارجی به‌عنوان پیمانکار برای انجام عملیاتی مشخص به خدمت دولت میزبان در می‌آید و دستمزد خود را به پول دریافت می‌کند. قراردادهای خدمت به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند:

الف) قراردادهای خدمت ساده که در آن، پیمانکار بدون پذیرش مسئولیت ریسک عملیات، به میزان کار انجام شده حسب توافق، حقوق دریافت می‌کند. این قراردادها به‌طور معمول شرحی معین و بهایی مقطوع و مشخص دارند، هرچند ممکن است امتیازهایی مانند خرید قسمتی از تولید نیز برای تشویق پیمانکار به ارائه خدمات بهتر، در نظر گرفته شود، اما در نهایت، حق الزحمه مشخصی در ازای خدمات پیمانکار پرداخت خواهد شد و وی هیچ سهمی از نفت خام یا گاز تولیدی نخواهد داشت.

ب) در قراردادهای خدمت با ریسک، پیمانکار با پذیرش ریسک عملیات، تنها در صورت به ثمر نشستن عملیات، مستحق حقوق و دستمزد بوده، در غیر این صورت، دولت میزبان تکلیف و مسئولیتی در قبال هزینه‌های انجام شده نخواهد داشت. در این شیوه قراردادی، مسائلی مانند مالیات و بهره مالکانه کم‌تر مطرح می‌شود، هرچند شرکت پیمانکار ملزم به پرداخت حق بیمه و به عهده گرفتن خطرپذیری عملیات است. این قراردادها بیش‌تر در مواردی که ریسک عملیاتی وجود دارد، مانند فعالیت‌های اکتشافی به‌کار می‌روند و به همین علت، میزان کم‌تری از قراردادهای صنعت نفت دنیا را به خود اختصاص داده‌اند.

قراردادهای خدمت، اشکال متفاوتی را در بر می‌گیرد که قراردادهای بیع متقابل («بای‌بک»)^{۴۲} از آن جمله است.^{۴۳} قرارداد بای‌بک از ابداعات صنعت نفت ایران پس از انقلاب اسلامی است. در این قراردادها پیمانکار ریسک ناشی از ناکافی بودن تولید نفت از مخزن، کاهش شدید قیمت‌ها و این که در دوره بازپرداخت نتواند هزینه‌های خود را دریافت کند، می‌پذیرد، ضمن آن که به علت هزینه اضافی یا تأخیر در پروژه، عملاً جریمه می‌شود و باید از زمان آغاز تولید تا پایان قرارداد، سالانه معادل مبلغ تعیین شده، لوازم یدکی و سایر تجهیزاتی را که شرکت

41. Erap

42. Buyback

43. قراردادهای پیمانکاری به موارد مورد اشاره منحصر نبوده، اشکال متنوع ذیل را نیز می‌توان به آن‌ها اضافه کرد: B.O.T. (Build, Operate, Transfer), B.O.O.S.T. (Build, Own, Operate, Subsidize, Transfer), B.L.T. (Build, Transfer), B.O.O.T. (Build, Own, Operate, Transfer), D.B.F.O. (Design, Build, Finance and Operate), B.O.O. (Build, Own, Operate).

ملی نفت ایران و کمیته مدیریت مشترک درخواست می‌کنند، در اختیار شرکت ملی نفت ایران قرار دهد و پس از پایان مرحله توسعه نیز باید خدمات و کمک‌های مورد نیاز را تأمین کند. در شیوه قراردادی بیع متقابل، شرکت پیمانکار متعهد می‌شود که عملیات توسعه را منطبق با طرح جامع توسعه‌ای که مورد توافق شرکت ملی نفت ایران است، در سقف هزینه‌های سرمایه‌ای انجام دهد و در صورت افزایش هزینه‌ها، این شرکت تعهدی برای پرداخت مبلغ اضافی نخواهد داشت، در حالی که اگر هزینه‌های واقعی سرمایه‌ای از سقف هزینه‌های سرمایه‌ای کم‌تر شود، شرکت ملی نفت ایران مبلغ کم‌تری می‌پردازد.

در این ساختار قراردادی، بازپرداخت هزینه‌ها و حق‌الزحمه با سود ثابت، از محل درآمد حاصل از فروش تولیدات استخراجی است که در دوره‌ای معین به نام «دوره بازپرداخت»، به صورت اقساط سه ماهه و بر اساس درآمد حاصل از فروش محصول انجام می‌شود. بازپرداخت اصلی و سود سرمایه‌گذاری نیز از محل نفت، گاز و فرآورده‌های مربوط انجام می‌شود. هرچند مسئولان وزارت نفت بر قابلیت پاسخگویی بهینه این تکنیک قراردادی به نیازهای آن صنعت و منافع ملی تأکید می‌کند،^{۴۴} اما فراهم کردن زمینه‌های قانونی به‌کارگیری قراردادهای مشارکت در تولید مورد تأکید است.

علاوه بر قراردادهای مورد اشاره در بندهای سه‌گانه فوق، قراردادهای دیگری نیز در عرصه صنعت نفت جهانی مورد عمل است که در این مختصر از ورود جداگانه به آن‌ها صرف‌نظر می‌شود؛ همانند قراردادهای کنسرسیوم که صنعت نفت ایران با پذیرش تحمیل قرارداد کنسرسیوم ۱۳۳۳-۱۹۵۴ از تجربه این نوع قرارداد نیز بی‌نصیب نمانده است.

مبحث دوم) تکامل شروط داوری در قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز

وقوع اختلاف و طرح دعوا از محتمل‌ترین فرضیه‌ها است که در هر قرارداد قابل تصور است و در این میان، داوری به‌عنوان یکی از مهم‌ترین طرق حل و فصل اختلافات، به‌دلیل مزایایی چون سرعت، سهولت و کم هزینه و تخصصی بودن، از جایگاه ویژه‌ای در میان ساز و کارهای حل و

۴۴. این در حالی است که این اعتقاد وجود دارد که «قراردادهای بیع متقابل در ایران زبان‌هایی را برای هر دو طرف، یعنی دولت ایران و شرکت طرف قرارداد دارد، به این صورت که با پیشنهاد نرخ ثابتی از درآمدها برای شرکت‌های طرف قرارداد که معمولاً بین ۱۵ تا ۱۸ درصد است، شرکت ملی نفت ایران باید تمامی ریسک و خطر قیمت‌های پایین نفت را بپذیرد و در صورتی که قیمت نفت کاهش پیدا کند، شرکت ملی نفت ایران مجبور است نفت یا گاز طبیعی بیش‌تری را بفروشد تا بتواند زیان ناشی از کاهش قیمت را جبران کند. در عین حال، شرکت‌های خارجی طرف قرارداد با ایران که از نوع قراردادهای بیع متقابل استفاده می‌کنند نیز هیچ تضمینی برای این که بتوانند منابعی را که خود کشف کرده‌اند، توسعه دهند در اختیار ندارند، چه برسد به این که مجوز بهره‌برداری از آن میدان نفتی یا گازی به آن‌ها داده شود و نهایت این که شرکت‌های خارجی معمولاً علاقه‌ای به انعقاد قراردادهای بیع متقابل از نوع کوتاه مدت ندارند و انگیزه پذیرش این نوع قراردادها در این شرکت‌ها کم‌تر یافت می‌شود». رجوع کنید به: www.asianews.ir به نقل از وزارت انرژی آمریکا.

فصل اختلافات، به‌خصوص در قراردادهای نفت و گاز برخوردار بوده و هست. به موازات تحول در ساختار این قراردادها، شروط داوری نیز شاهد حرکتی رو به تکامل بوده است.^{۴۵} از نظر ساختارشناسی، شروط داوری نفتی دو ساختار مشخص را در طول حیات خود تجربه کرده‌اند که موضوع بحث ما را در این مبحث تشکیل خواهد داد.

گفتار اول) شروط داوری کلاسیک

بررسی قراردادهای نفتی قبل از دهه ۸۰ میلادی، نشان از عدم وجود رویه‌ای روشن در ساختار شروط داوری قراردادهای نفتی دارد؛ بدین نحو که در قراردادهای این دوره، طرفین قرارداد، ضمن شروط داوری «موردی»، نحوه انتخاب داور یا داوران و شیوه دادرسی و قانون حاکم بر آن و نیز ماهیت دعوا را در هر قرارداد تبیین می‌کردند. رویه‌های مورد توافق در این شروط داوری، چنان متشتت بود که گاه عملی شدن پاره‌ای از آن‌ها با مشکلات جدی و حتی با بن‌بست مواجه می‌گردید؛ کما این‌که به سازش ختم شدن بسیاری از پرونده‌های نفتی مطرح در این دوران نیز دلیلی است متقن بر وجود نواقص و مشکلات مورد ادعا در تحقق هدف غایی از درج چنین شروطی. با وجود این، شروط داوری کلاسیک نیز از تاریخ انعقاد قرارداد کنسرسیوم ایران در سال ۱۹۵۵-۱۳۳۳،^{۴۶} خیزش بزرگی را در جهت پیش‌بینی ساز و کارهای ضروری حل اختلاف شروع کرد که می‌توان آن را نقطه عطفی در این حرکت تکاملی برشمرد. در ادامه، برای روشن شدن پاره‌ای از مشکلات مذکور، شروط داوری برخی پرونده نفتی را به اجمال مرور می‌کنیم:

بند اول) شرط داوری مندرج در امتیازات سه گانه لیبی

در هر سه امتیاز اعطایی از سوی دولت لیبی، ماده ۲۸ حاوی شرط داوری بود که طرفین امتیاز بر آن توافق کرده بودند. طبق این توافق، در صورت وقوع اختلاف و لزوم ارجاع به داوری از سوی هر کدام از طرفین، هر یک از آن‌ها بایست داوری را تعیین کند و این دو داور، داور سوم را به‌عنوان سر داور^{۴۷} انتخاب خواهند کرد. در صورت عدم تعیین داور اختصاصی از سوی هر یک از

۴۵. منصوری نراقی، محمود، پیشین، ص ۴۳۰-۴۱۰.

۴۶. شرط داوری مورد توافق در این قرارداد، با درس‌آموزی از آثار شرط داوری قرارداد ۱۹۳۳ شرکت نفت ایران و انگلیس، به‌طرز بسیار ظریف و دقیقی تنظیم گردیده بود که در آن زمان در نوع خود، منحصر به فرد می‌نمود. اما رویه‌های داوری نفتی در گذر زمان نشان داد، اتخاذ این‌گونه تدابیر لازم برای اجرایی شدن درست شرط داوری و بالتیجه قرارداد، لزوماً برابر با بیمه شدن اجرای قرارداد و شرط مذکور نیست. چه بسا این ظرافتها خود موجب بغرنج شدن چرخه داوری گردد. برای ملاحظه متن کامل این شرط رجوع کنید به: منصوری نراقی، محمود، همان، ص ۴۱۹-۴۱۵.

47. umpire

طرفین قرارداد، بنا به درخواست طرف مقابل، دعوا به وسیله داور واحد تعیینی از طرفین رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری، حل و فصل خواهد گردید.

با ملی شدن صنعت نفت لیبی و سلب مالکیت شرکت‌های خارجی، آنان از دولت لیبی درخواست کردند که داور اختصاصی خود را معرفی کند، اما دولت لیبی از تعیین داور خودداری کرد و لذا با درخواست شرکت‌های دارنده امتیاز، دیوان بین‌المللی دادگستری، داورانی واحد (پرونده لیامکو: دکتر صبحی محمصانی،^{۴۸} پرونده تاپکو: پرفسور دپویی^{۴۹} و پروندی بی پی: قاضی لاگرگرن)^{۵۰} را برای حل و فصل اختلافات تعیین کرد. دولت لیبی ضمن اعتراض به این تصمیمات، داوران منتخب را فاقد صلاحیت رسیدگی دانست و از شرکت در جلسات رسیدگی امتناع ورزید. با وجود این در پرونده تاپکو، پرفسور دپویی ضمن اشاره به شرط داوری (که مقرر می‌داشت: ... انجام تدابیر مندرج در این پاراگراف و تعیین آیین دادرسی داوری به وسیله داور واحد تعیین خواهد شد)^{۵۱} اظهار داشت که طرفین به صراحت در قرارداد بر صلاحیت داور در تشخیص صلاحیت خود توافق کرده‌اند؛ کما این که قاعده صلاحیت از صلاحیت،^{۵۲} قاعده‌ای است سنتی، تثبیت شده در رویه قضایی بین‌المللی و شناخته شده در نوشته‌های نویسندگان حقوقی.^{۵۳}

بند دوم) شرط داوری مذکور در قرارداد شرکت ملی نفت ایران و شرکت فرانسوی «الف»

شرط داوری مندرج در این قرارداد، تشابه زیادی با شرط داوری امتیازات دولت لیبی و ۱۱ قرارداد مشارکت دیگر شرکت ملی نفت ایران دارد؛^{۵۴} بدین نحو که در واقع هر یک از طرفین قرارداد بایست داور منتخب خود را معرفی و این داوران، داور ثالثی را به‌عنوان سر داور انتخاب می‌کردند. در صورت عدم تعیین داور اختصاصی از سوی هر یک از طرفین، داور واحد به وسیله رئیس عالی‌ترین مرجع قضایی کشور دانمارک تعیین می‌گردید. به دنبال وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ در ایران، ماده واحده‌ای در تاریخ ۷۵/۱۰/۱۸ به تصویب شورای انقلاب رسید که طبق آن، قراردادهای نفتی قبل از انقلاب به تشخیص کمیسیون ویژه پیش‌بینی شده در این ماده واحده،

48. Sobhi Mahmassani

49. René-Jean Dupuy

50. Gunnar Lagergren

51. « ...the provision of the provisions of this paragraph and the determination of the procedure to be followed in the arbitration shall be decided by ... the sole arbitror ».

52. Principe de competence-competence

53. Kaplan, Ch., « La clause compromissoire dans les contrats pétroliers », Mutation, n°44, 02/03. p. 35.

۵۴. منصوری نراقی، محمود، نفت (مبانی حقوقی و شرایط عمومی قراردادهای نفتی خاورمیانه)، صبح امروز، بی تا، ص ۴۵۳.

باطل و بدون اثر^{۵۵} تلقی گردید و کلیه اختلافات ناشی از این موضوع از طرف کمیسیون مزبور مذاکره و حل و فصل می‌شد.

با امتناع شرکت ملی نفت ایران از تعیین داور اختصاصی خود، به درخواست شرکت «الف»^{۵۶} رئیس دیوان عالی دانمارک، ضمن رد ایراد شرکت ملی نفت مبنی بر صلاحیت انحصاری کمیسیون مندرج در ماده واحده، پرفسور گمارد^{۵۷} استاد دانشکده حقوق دانشگاه کپنهاک را به‌عنوان داور واحد انتخاب کرد. شرکت ملی نفت مجدداً با همان دلیل به صلاحیت داور مزبور اعتراض کرد، اما داور مورد اشاره ضمن رسیدگی جداگانه در باب ایرادات ایران به صلاحیت خود، در نهایت در رأی مورخ ۱۴ ژانویه ۱۹۸۲ بنا بر اصول حقوق بین‌الملل حاکم بر قرارداد، خود را صالح به رسیدگی به صلاحیت خویش معرفی کرد. وی در رأی خود متذکر گردید طرفین بنا بر مفاد ماده ۵-۴^{۵۸} قرارداد، موافق بوده‌اند که داور، صالح به تشخیص صلاحیت خویش باشد. وی اضافه کرد که قرارداد و شرط داوری، به نحو معتبری بعد از انعقاد، به‌وسیله مقامات ایران مورد تصویب واقع شده و شرکت ملی نفت ایران نیز مطابق قوانین جاری آن زمان، اقدام کرده است، مضافاً این‌که مطابق رویه‌های داوری، به‌خصوص آرای صادر در پرونده‌های امتیازات دولت لیبی نیز قاعده فوق‌الاشاره مورد تأیید و تأکید واقع شده و دولت ایران نیز نمی‌تواند با قانون‌گذاری‌های داخلی خود، قرارداد و به تبع شرط داوری را یک طرفه ملغی اعلام کند.^{۵۹}

بند سوم) شرط داوری مذکور در قراردادهای مشارکت مصر با پان امریکن (۱۹۶۳-۱۹۶۴)

در این قراردادها توافق شده بود که در صورت اختلاف در تفسیر و اجرای قراردادها، طریق حل اختلاف به نحو ذیل خواهد بود: در صورت اختلاف بین دولت مصر و طرف‌های قرارداد در تفسیر و اجرا، دادگاه‌های صلاحیت‌دار مصر، حل و فصل موضوع را عهده‌دار خواهند بود؛ اما در صورت اختلاف شرکت پان امریکن و سازمان کل نفت مصر، در موارد فوق‌الذکر، طریق حل و فصل، داوری خواهد بود. در صورت اخیر، هر یک از طرفین یک داور اختصاصی تعیین و آن دو نفر، داور سوم را انتخاب کرده، به موضوع رسیدگی خواهند کرد. با امتناع طرفین یا هر یک از آن‌ها از

55. null and void

56. Elf (1965)

57. Gomard

58. "...the place and procedure of arbitration shall be determined by the parties, in the case of failure to reach agreement, such place and procedure shall be determined by the sole arbitrator..."

59. Kaplan, Ch., *op.cit.*, p. 36.

انتخاب داور اختصاصی و یا عدم توفیق داوران اختصاصی در انتخاب سر داور، هر یک از طرفین می‌تواند از رئیس اتاق بازرگانی بین‌المللی^{۶۰} بخواهد که داور مزبور را انتخاب کند.^{۶۱}

بند چهارم) شرط داوری در قراردادهای پان امریکن و سافایر با شرکت ملی نفت ایران (۱۹۵۸)

ماده ۴۱ این قراردادها مقرر می‌دارد که موضوع اختلاف از طریق هیأت سه نفره‌ای حل و فصل خواهد شد؛ بدین ترتیب که هر یک از طرفین، داور اختصاصی خود را تعیین و این دو، داور سوم را انتخاب خواهند کرد. چنانچه این دو داور نتوانند ظرف چهار ماه، سرداور را انتخاب کنند یا یکی از طرفین حاضر به تعیین داور اختصاصی خود نشود، سرداور یا داور اختصاصی طرف ممتنع از طرف رئیس دادگاه فدرال سوئیس تعیین خواهد شد و هرگاه به هر دلیل، انتخاب داور واحد و یا داور ثالث از طرف رئیس دادگاه سوئیس به عمل نیاید و طرفین توافق دیگری نکنند، به درخواست هر یک از طرفین، انتخاب داور و یا سرداور از طرف رئیس یا قاضی هم‌عرض رئیس عالی‌ترین دادگاه‌های دانمارک، سوئد یا برزیل (به ترتیب) به عمل خواهد آمد. داور منتخب نباید از تابعین دولت ایران و کشور متبوع طرف قرارداد باشد و یا به خدمت رسمی آنان در آید.^{۶۲}

گفتار دوم) شروط داوری مدرن

ارجاع بسیاری از اختلافات نفتی به داوری، کم‌کم نواقص و مشکلات عملی شروط داوری نسل اول امتیازات و قراردادهای نفتی را - که در اکثر موارد حاوی شرط داوری «موردی» بودند - به‌خصوص در تعیین داوران و قوانین و مقررات حاکم بر قرارداد و آیین دادرسی داوری، آشکار ساخت؛ به نحوی که نگرانی متقابل دولت‌ها و فعالان عرصه اقتصاد و تجارت بین‌الملل و در رأس آن‌ها شرکت‌های نفتی بین‌المللی از این موضوع و توابع و تأثیراتش، آنان را بر آن داشت تا ضمن چاره‌جویی برای استحکام بخشیدن به سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی، تدابیر سازمان یافته‌تری نیز برای جلوگیری از تشتت در رویه‌های داوری اتخاذ کنند. حاصل این تلاش‌ها، تصویب کنوانسیون‌های مختلف،^{۶۳} تدوین مقررات متحدالشکل،^{۶۴} پیشنهاد شروط نمونه

۶۰. در این شرط، رئیس اتاق بازرگانی بین‌الملل صرفاً نقش مقام ناصب را داشته و لا غیر.

۶۱. منصوری نراقی، محمود، پیشین، ص ۴۲۶.

۶۲. همان، ص ۴۲۱.

۶۳. از آن جمله می‌توان به کنوانسیون نیویورک (۱۰ ژوئن ۱۹۵۸ راجع به شناسایی و اجرای آرای داوری)، کنوانسیون اروپایی ژنو راجع به داوری تجاری بین‌المللی ۲۱ آوریل ۱۹۶۱، کنوانسیون واشنگتن (۱۸ مارس ۱۹۶۵ راجع به حل و فصل اختلافات مرتبط با سرمایه‌گذاری بین دولت‌ها و اتباع سایر دولت‌ها) اشاره کرد.

۶۴. قواعد داوری کمیسیون سازمان ملل در خصوص تجارت بین‌الملل ۱۹۷۱ از آن جمله است.

داوری^{۶۵} و ایجاد مراجع داوری نهادی^{۶۶} بود. در این گفتار، ضمن بررسی شروط داوری در پاره‌ای قراردادهای کشورهای نفت‌خیز^{۶۷} سعی خواهد شد تجسم عملی تحولات فوق‌الاشاره در صنعت جهانی نفت و گاز، نشان داده شود.

بند اول) شرط داوری مربوط به پرونده داوری *Rakoil v. Deuschtbau*

در سال ۱۹۷۸ دولت رأس‌الخیمه به بهانه تدلیس، از پرداخت سهم هزینه‌های مربوط به انجام عملیات اکتشاف، در مقابل سایر اعضای قرارداد عملیات مشترک^{۶۸} خودداری ورزید و با وجود شرط داوری مورد توافق در قرارداد، موضوع تدلیس را از طریق محاکم داخلی خود دنبال کرد و مدعی شد که اعضای مشارکت در اعلام واقعی ذخایر کشف شده مرتکب تدلیس شده‌اند. دادگاه رأس‌الخیمه نیز در سوم دسامبر ۱۹۷۹ تصمیم به ابطال توافقات مزبور گرفت؛ اما در مقابل این اقدامات دولت رأس‌الخیمه، طرف‌های مقابل به استناد شرط داوری (که مقرر می‌کرد: تمام دعوی راجع به تفسیر و اجرای این قرارداد نهایتاً باید از طریق قواعد سازش و داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی و به‌وسیله سه داور تعیینی با قواعد اتاق بازرگانی بین‌المللی^{۶۹} حل و فصل

۶۵. به‌عنوان مثال می‌توان به شرط نمونه آنسیترال (کمیسیون سازمان ملل برای حقوق تجارت بین‌الملل) برای داوری دیوان بین‌المللی داوری اشاره کرد که مقرر می‌کند:

«Any dispute, controversy, or claim arising out of or relating to this contract, or the breach, termination, or invalidity thereof, shall be settled by arbitration in accordance with the UNCITRAL Arbitration Rules in effect on the date of this contract.

The appointing authority shall be the [International Bureau of the Permanent Court of Arbitration] [Secretary-General of the Permanent Court of Arbitration]. The case shall be administered by the International Bureau of the Permanent Court of Arbitration in accordance with the 'Permanent Court of Arbitration Procedures for Cases under the UNCITRAL Arbitration Rules».

۶۶. سابقه برخی از این مراجع همانند دیوان بین‌المللی لاهه و اتاق بازرگانی بین‌المللی مربوط به قبل از این تحولات بوده (که در شرایط بین‌المللی آن مقطع زمانی و پس از آن، نقش بسیار مؤثری در ایجاد رویه‌های جدید داوری ایفا کردند.) اما برخی دیگر نیز همانند مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات راجع به سرمایه‌گذاری، مربوط به پس از آن است.

۶۷. درخصوص ساختار کنونی شروط داوری قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز ایران (به‌عنوان کشوری پیشرو در صنعت نفت و گاز)، علی‌رغم عدم امکان دسترسی به متن این قراردادها، به نظر می‌رسد با توجه به خصیصه بین‌المللی بودن رویه‌های حاکم بر صنعت نفت و همسویی قوانین ایران با برخی از جهت‌گیری‌های جهانی (به‌خصوص با تصویب قانون داوری تجارت بین‌الملل در ۷۶/۶/۲۶ و تبعیت قانونگذار از مقررات آنسیترال)، تبیین ساختار این شروط براساس مقررات متحدالشکل و ارجاع حل و فصل اختلافات به مراجع بین‌المللی داوری نهادی، امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود؛ قبل از الحاق ایران به کنوانسیون‌های نیویورک یکی از جدی‌ترین موانع حقوقی محدودکننده قدرت مانور صنعت نفت و گاز ایران در توافق بر ساختار این شروط در توافقات فی‌ما بین با شرکای خارجی بود. در این خصوص رجوع کنید به:

Gharavi, G., « The 1997 Iranian International Commercial Arbitration Law: The Uncitral Model Law», International Arbitration, 1999, Vol., 15, n° 1; Imhoss, Ch. « La loi iranienne sur le droit commerce international : le point de vue un observateur étranger», RDAI/IBLJ, n° 4, 2000.

68. Joint operating agreement

69. International Chamber of Commerce

شروط داوری در سیر تحولات حقوق ... ❖ ۲۱۱

گردد. دادگاه در ژنو و به زبان انگلیسی برگزار خواهد شد.^{۷۰} به دیوان داوری اتاق بازرگانی مراجعه و رسیدگی به اختلاف را درخواست کردند اما دولت رأس‌الخیمه به‌عنوان خواننده داوری، ضمن اعتراض به دبیرخانه دیوان داوری، عدم صلاحیت دادگاه داوری و امتناع از شرکت در دادرسی را اطلاع می‌دهد. دیوان داوری به استناد مواد ۳-۸ و ۴-۸ مقررات اتاق بازرگانی بین‌المللی (نسخه ۱۹۸۲ آن) متذکر گردند که ایراد در اعتبار قرارداد مورد بحث و حتی عدم اعتبار و بطلان آن، شرط داوری و به طریق اولی صلاحیت داور یا داوران را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد.^{۷۱}

بند دوم) شرط داوری در قوانین و قراردادهای برخی کشورهای شمال افریقا

با این که این کشورها در معادلات سیاسی جهان نقش چندانی ندارند، ولی چون جز کشورهای نفت‌خیز هستند، رویه نفتی آنان می‌تواند حائز اهمیت باشد.

در الجزایر به دنبال اصلاح و تکمیل قانون شماره ۱۴-۸۶ مورخ ۱۹ اوت ۱۹۸۶ طی قانون شماره ۲۹-۹۱ مورخ ۲۴ دسامبر ۱۹۹۱، قراردادهای منعقد شده حاوی شرط داوری بود که براساس آن، پس از تلاش برای سازش از طریق قواعد سازش آنسیترال^{۷۲} و عدم حصول نتیجه، طرفین وفق مقررات داوری اختلافات خود را حل و فصل خواهند کرد. محل داوری ژنو و زبان داوری، فرانسه و در صورت لزوم انگلیسی خواهد بود. در این قراردادها مقام ناصبی پیش‌بینی نشده بود و لذا در صورت عدم تعیین داور از سوی هر یک از طرفین یا عدم تعیین سرداور از سوی داوران منتخب طرفین، از دبیرخانه کل دیوان دائمی داوری لاهه درخواست انتخاب مقام ناصب می‌شود و در نهایت وی داور واحد را تعیین خواهد کرد.^{۷۳}

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود شرط داوری در قراردادهای منعقد شده پس از قانون فوق‌الاشاره، رنگ و بوی شروط داوری کلاسیک را دارد و حداقل از لحاظ ارجاع داوری به قوانین متحدالشکل، رویه شروط داوری مدرن را پی گرفته است.

در مراکش قراردادهای اکتشاف و استخراج هیدروکربورها حاوی شرط داوری براساس مقررات اتاق بازرگانی بین‌المللی است. کشور تونس نیز در قراردادهای نفتی (که متشکل هستند از قرارداد اجازه اکتشاف و استخراج منعقد شده بین دولت از یک سو و شرکت دولتی «اتاپ»^{۷۴} و

70. All disputes arising in connection with the interpretation or application of this Agreement shall be finally settled under the Rules of Conciliation and Arbitration of the International Chamber of Commerce by three arbitrators appointed in accordance with the Rules. The arbitration shall be held in Geneva, Switzerland, and shall be conducted in the English language».

71. Kaplan, Ch., *op.cit.*, pp. 36-37.

72. United Nations Commission for International Trade Law

73. *Ibid*, p. 38.

74. Etap

شرکت یا شرکت‌های خارجی از سوی دیگر) حل و فصل دعاوی براساس مقررات اتاق بازرگانی بین‌المللی به عمل می‌آید و آیین دادرسی آن حسب مقررات داخلی تونس است.^{۷۵}

بند سوم) شروط داوری در قراردادهای نفتی برخی کشورهای جنوب غرب آفریقا

در پروانه‌های بهره‌برداری صادر شده از ۱۹۸۰، دولت آنگولا به شرکت ملی نفت خود حق اکتشاف و تولید منابع هیدروکربور در حوزه‌های نفتی از پیش تعیین و تحدید شده را اعطا کرده و این شرکت نیز برای بهره‌برداری از این حقوق با شرکت یا شرکت‌های خارجی مشارکت می‌کند. قراردادهای مشارکت مزبور، حاوی شرط داوری است که براساس آن، تمام اختلافات براساس مقررات داوری آنسیترال از طریق دیوانی مرکب از سه داور حل و فصل می‌شود. شرط داوری این قراردادها، حسب هویت طرفین قرارداد شیوه رسیدگی جداگانه‌ای را پیش‌بینی می‌کند.

الف) در صورت اختلاف بین شرکت ملی نفت آنگولا و عضو یا اعضای خارجی مشارکت، مقام ناصب (در فرضی که طرفین اختلاف، داوران خود را انتخاب نکنند یا داوران منتخب نتوانند داور ثالث را تعیین کنند) رئیس اول دادگاه تجدید نظر لواندا^{۷۶} خواهد بود. داوری در لواندا، براساس حقوق موضوعه آنگولا و به زبان پرتغالی برگزار خواهد شد.

ب) در صورتی که اختلاف بین اعضای خارجی مشارکت باشد، داوران مطابق با مقررات آنسیترال و به وسیله اتاق بازرگانی تعیین خواهند شد. داوری به زبان انگلیسی و براساس حقوق انگلستان در لندن برگزار خواهد گردید. در هشتمین مدل مناقصات قراردادهای تولید مشترک در کشور گابن نیز اتاق بازرگانی بین‌المللی به‌عنوان مرجع رسیدگی به اختلافات تعیین شده است. در این قراردادها شرط داوری مقرر می‌دارد که هیچ‌یک از داوران نباید تابعیت طرفین دعوا را داشته باشد. محل داوری در پاریس، به زبان فرانسه است و اختلاف براساس قوانین گابن حل و فصل خواهد گردید. این شرط اضافه می‌کند هزینه و حق‌الزحمه داوری بر عهده شرکت‌های خارجی بوده، جزء هزینه‌های نفتی قابل استرداد محاسبه خواهد شد.^{۷۷}

نتیجه

بررسی اجمالی برخی قوانین، رویه‌های قراردادی و داوری راجع به قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز نشان می‌دهد که با متحول شدن ساختارهای قراردادی بین کشورهای نفت‌خیز توسعه نیافته

75. *Ibid.*

۷۶. پایتخت آنگولا Luanda است.

77. *Ibid.*, p. 37.

یا در حال توسعه و شرکت‌های بین‌المللی، شروط داوری نیز راه تکامل را در پیش گرفته‌اند؛ بدین نحو که هم قانونگذاران این کشورها و هم رویه عملی فعالان خصوصی عرصه نفت و گاز، با ترجیح تعیین چارچوب‌های شرط داوری در قالب ارجاع اختلافات خود به مقررات و احیاناً مراکز داوری، همچون آنسترال، اتاق بازرگانی بین‌المللی و مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات راجع به سرمایه‌گذاری^{۷۸} سعی در مدیریت شایسته اختلافات احتمالی و امتناع از ورود در نابسامانی‌های خاص داوری‌های گذشته داشته‌اند.

بدین ترتیب به نظر می‌رسد، جهت‌گیری ربع اخیر قرن گذشته، در ارجاع اختلافات ناشی از قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز به شیوه‌های داوری نهادی (به‌عنوان شیوه غالب قراردادهایی از این نوع)، در قرن حاضر نیز با وسعتی بیش‌تر، به‌صورتی ضابطه‌مندتر و با تکنیک‌های حقوقی بهره گرفته از تجربه‌های داوری و تحولات روز این صنعت جهانی، پیگیری گردد.



78. The International Centre for Settlement of Investment Disputes